

فرهیختگان پانزدهمین نشست بریکس از سه‌شنبه ۳۱ مرداد (۲۲ آگوست) به میزبانی آفریقای جنوبی آغاز شده و امروز پنجشنبه ۲ شهریور (آگوست ۲۴) به پایان می‌رسد. سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران نیز امروز به‌منظور حضور در این اجلاسبه وارد ژوهانسبورگ شد. یکی از مهم‌ترین دستور کارهای اجلاسبه پانزدهم بررسی امکان افزایش اعضا گروه بوده و مطابق آنچه وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی اعلام کرده کشورهای بریکس بر سر موضوع گسترش این اتحادیه به توافق رسیده‌اند و سندی را تصویب کرده‌اند که اصول آن را مشخص می‌کند. تاکنون ۲۰ کشور ازجمله ایران درخواست عضویت خود در گروه بریکس را ارائه داده‌اند. مطابق آنچه امیرعبدالهیان، وزیر خارجه کشورمان گفته است پنج کشور عضو درمجموع حمایت خود را از شروع عضویت ایران اعلام کردند. گروه بریکس با شعار «تشکیل یک نظم جهانی عادلانه»،(Shaping Equitable Global Order) جهت تبدیل شدن آن به یک رقیب قدرتمند برای گروه هفت تشکیل شد. حضور بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان در کشورهای عضو بریکس و سهم ۲۶ درصدی آنها از اقتصاد جهانی ظرفیت بسیار خوبی را برای ترغیب شدن سایر کشورها به عضویت در این گروه به‌وجود می‌آورد. این ظرفیت‌ها به‌ویژه برای ایران به‌عنوان کشوری که مسیرهای انصالتش به‌سازوکارهای اقتصادی تحت‌سیطره‌غرب‌مسدود شده است، اهمیت ویژه دارد.

گزارش

در میان شخصیت‌های سیاسی اصلاح‌طلب کمتر چهره‌ای را می‌توان با سوابقه فعالیت سیاسی قبل و بعد از انقلاب پیدا کرد. او تا همین چندی پیش چهره مورد قبول همه طیف‌ها و احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب بود. بهزاد نبوی بعد از تشکیل شدن جبهه اصلاحات ایران در سال ۱۳۹۹ با اجماع همه اعضا به ریاست این جبهه انتخاب شد. میزان محبوبیت و مقبولیتش در جبهه اصلاحات به حدی بود که دو استعفای وی که با فاصله حدود یک سال مطرح شدند مورد قبول جبهه قرار نگرفت و دوبار در سمت ریاست جبهه اصلاحات ابقا شد. اما از زمان شروع وقایع پاییز ۱۴۰۱ با بالاگرفتن اختلافات در میان اصلاح‌طلبان، جایگاه معنوی و حقوقی نبوی نیز کم‌کم دچار تزلزل شد. نهایتاً این اختلافات باعث شد او در تیرماه امسال از سمت خود کنار برود و جای خود را به آذر منصوری بدهد. این جابه‌جایی بیشتر از آنکه جابه‌جایی بین دو فرد باشد، حاکی از تغییر رویسه اصلاح‌طلبان بود. نبوی در مصاحبه‌ای که در بچوحه اتفاقات پاییز سال گذشته انجام داد مواضع خود را درباره این حوادث به‌طور صریح بیان کرد و مرزندی خود یا خشونت و اعتراضات خیابانسی را بدون تعارف اعلام کرد. او صراحتاً گفت: «نمی‌خواهیم دینامیت زیر سلاختمان نظام بگذاریم». طبیعی است این مواضع به مذاق براندازان و کسانی که برای تأمین باروت این دینامیت از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند خوش نیامد اما برخی از اصلاح‌طلبان نیز واکنش‌های منفی‌ای نسبت به این مواضع نشان دادند. شاید برخی از آنها انتظار نداشتند او که سابقه شش سال زندان بعد از وقایع ۸۸ را دارد و همچنین قبل از انقلاب به حبس ابد محکوم شده بود و کارنامه فعالیت سیاسی پرهزینه‌ای داشته در شرایط خاص پاییز سال گذشته از خشونت‌پرهیزی و در مذمت آنچه او انقلاب می‌خواندش صحبت کند. انتقاد هم‌جریانی‌های نبوی بابت اتخاذ موضع میانه‌ای بود که اصلاح را همچنان مقدم بر براندازی می‌دانست. این اختلافات درون جریان گرچه در اوج التهابات پاییز کمتر به چشم آمدند اما رفته‌رفته با آرام‌تر شدن شرایط عمومی کشور فرصت بیشتری برای بروز و نمود عینی در کف صحنه پیدا کردند. یکی از مهم‌ترین نتایج این اختلافات برکناری نبوی از ریاست جبهه و جایگزین شدن کسی بود که از طیف اصلاح‌طلبان تندرو به حساب می‌آید. برخی اعضا علت این جابه‌جایی را اصراً خودنبوی براستعفا می‌دانستند، اما او دو بار دیگر نیز استعفا داده بود و با اصرار اعضای جبهه از سمت خود کنارتزفته بود، این بدان معناست که این بار حتماً تغییریی در شرایط رخ داده بود که دیگر اصرار اعضا مانع خادحفاظی نبوی از ریاست جبهه اصلاحات نشد. در هفته‌های اخیر کم‌کم جزئیات بیشتری از اختلافات درون جریانی اصلاح‌طلبان به گوش رسیده است. بهزاد نبوی اخیراً در مصاحبه‌ای که با مجله «آگاهی نو» داشته به تشریح برخی جزئیات ماجرای اصلاح‌طلبان درونی اصلاح‌طلبان طی یک سال و چند ماه گذشته پرداخته است. او در این مصاحبه بار دیگر به مواضع خود درباره اعتراضات خشونت‌بار سال گذشته تاکید کرد و گفت با اینکه خودش قبل از انقلاب عضویک گروه مسلح بوده و با نارنجک و مواد منفجره دستگیر شده نسبت به براندازی و انقلاب خوشبین نیست و معتقد است چنین راهی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند تأمین‌کننده اهدافی باشد که معترضان دنبال می‌کردند. اما بخش مهم‌تر این مصاحبه آنجاست که از علت‌شنیده نشدن صدای اصلاح‌طلبان در بچوحه اعتراضات و همچنین اختلافات درون این جریان صحبت می‌کند. صحبت‌هایی که شاید برای اولین بار بود که با این صراحت از او می‌شنیدیم. نبوی کنار رفتن اصلاح‌طلبان از صحنه سیاسی کشور را خشونت‌بار شدن اعتراضات می‌داند و معتقد است این

جغرافیا باعث شده ایران با داشتن مرزهای آبی و خاکی گسترده به پلی برای اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا تبدیل شود. دسترسی دریایی ایران به هند و آفریقا و از سسوی دیگر، امکان اتصال به روسیه از طریق مسیرهای چندگانه (ترکمنستان، قزاقستان، قفقاز به روسیه و همچنین مسیر دریای خزر) و همچنین تلاش کشورهای آفریقایی برای یافتن مسیر جایگزین کانال سوئز که این کشورها را به کریدور جنوب-شمال ایران سوق می‌دهد. علاوه‌بر این ایران با داشتن منابع غنی معدنی و انرژی ظرفیتی قابل توجه برای صنایع گسترده کشورهای عضو بریکس محسوب می‌شود و ماحصل این همکاری می‌تواند رشد صنایع ایران را نیز درپی داشته باشد.

اتصال ایران به یک شبکه بانکی چندجانبه

یکی از مهم‌ترین اثرات پیوستن کشورمان به بریکس انجام معاملات با کشورهای روسیه، چین، برزیل و آفریقای جنوبی بدون استفاده از دلار و با پول ملی و همچنین استفاده از تسهیلات بانک توسعه بریکس است. بانک توسعه جدید (NDB) که قبلاً بانک توسعه بریکس (BRICS) نامیده می‌شد، یک بانک توسعه چندجانبه است که توسط کشورهای بریکس

سیاست

ایران بعد از عضویت در شانگهای در بریکس دومین نشست غیرغربی هم شرکت می‌کند

ائتلاف بی‌ریسک

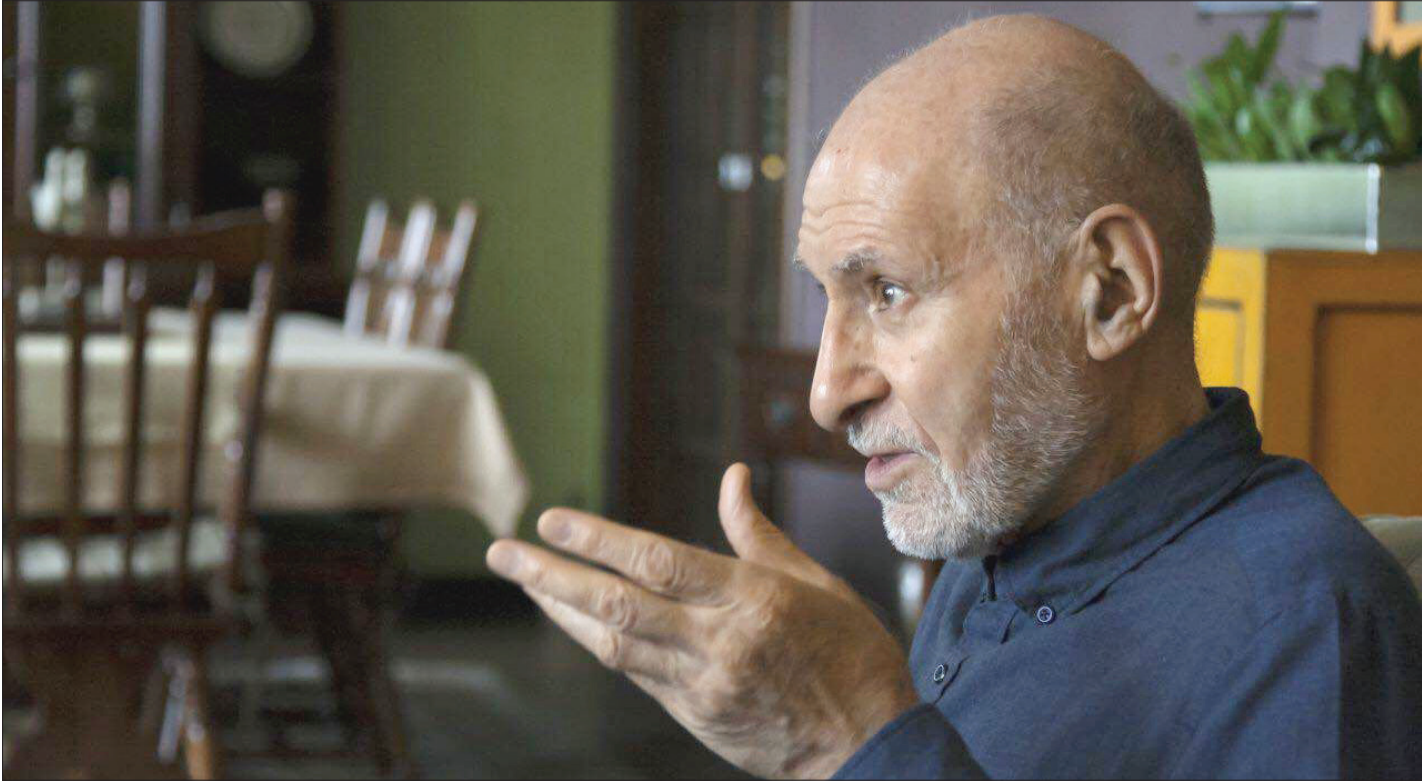
(برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) تاسیس شده است. براساس توافقنامه ان‌دی‌بی، بانک باید از پروژه‌های دولتی یا خصوصی از طریق وام، ضمانت، مشارکت در حقوق صاحبان سهام و سایر ابزارهای مالی حمایت کند. علاوه‌بر این، ان‌دی‌بی می‌باید با سازمان‌های بین‌المللی و سایر نهادهای مالی همکاری کند و برای پروژه‌هایی که توسط بانک پشتیبانی می‌شوند، کمک فنی ارائه دهد. اتصال ایران به شبکه بانکی بریکس تا حد زیادی اثرات تحریم بانکی ایران را خنثی و مسیر گردش مالی کشور را بازتر می‌کند.

ایده ایجاد پول واحد

گروه بریکس به‌منظور کاهش سلطه اقتصادی دلار تمرکز خود را بر افزایش حجم مبادلات تجاری غیردلاری کشورهای عضو استفاده هرچه بیشتر از ارزهای ملی قرار داده است. علاوه بر این ایده ایجاد پولی جدید برای مبادلات تجاری نیز در این گروه مطرح است، در همین راستا روسای جمهور کشورهای عضو در اجلاسبه‌اخیر بر تلاش برای دلارزدایی از مبادلات خود تاکید ورزیده و رئیس‌جمهور برزیل نیز حمایت کشورش از ایجاد پول بریکس را اعلام کرده‌است. درصورت تحقق این امر ایران می‌تواند با عضویت در بریکس از تاثیرات تحریم‌های دلاری حاکم بر اقتصاد خود بکاهد.

بهزاد نبوی درباره برآورد اشتباه برخی از هم‌جریانی‌هایش از اتفاقات ۱۴۰۱ می‌گوید

نگوهِش عافیت‌طلبی اصلاح‌طلبان



حجم از آنچه که انقلابی‌گری خوانده می‌شود باعث شده بود تا حرف‌های میرحسین موسوی مبنی و بر تغییر قانون اساسی و تشکیل مجلس موسسان نیز شنیده نشود زیرا معترضان شرایطی ایجاد کرده بودند که هر کسی چیزی به غیر از براندازی کامل نظام مطرح می‌کرد مورد هجمه شددید انتقادات قرار می‌گرفت. طبیعی است در چنین شرایطی سخنان طیف‌های معتدل‌تر اصلاح‌طلبان بیشتر از بقیه آنها به حاشیه می‌رود. او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به بیان برخی از علت‌های اختلافات شکل گرفته در میان جبهه اصلاحات می‌پردازد. رئیس سابق جبهه اصلاحات در این باره می‌گوید احساس می‌کند برخی اصلاح‌طلبان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که کار نظام تمام است و باید خودمان را برای شرایط آینده آماده کنیم. او معتقد است عده‌ای می‌خواستند به هر قیمتی که شده سرشان بی‌کلاه نماند. به نظر برخی از اصلاح‌طلبان همین تندروی طیف خاصی از آنها بوده که منجر به کناره‌گیری بهزاد نبوی از ریاست جبهه اصلاحات شده است. اما این مواضع نبوی که علی‌رغم مخالفت شددید برخی از هم‌جریانی‌هایش به آن اصرار دارد چه معنایی دارند و چه راهبردی را دنبال می‌کنند؟ در ادامه با بررسی جزئیات مصاحبه اخیر بهزاد نبوی بیشتر به ابعاد مختلف این پرسش می‌پردازیم.

ائتلاف کنید، مسئولیت اقدامات‌تان را هم بپذیرید

بهزاد نبوی در مصاحبه اخیرش با «آگاهی نو» از ائتلاف اصلاح‌طلبان با اصولگرایان میانه‌رو و اعتدالی‌ها در انتخابات، سخن به میان آورده است. منظور او از اصولگرایان میانه‌رو احتمالاً افرادی مثل علی لاریجانی است. البته اصلاح‌طلبان به‌عنوان حامیان حسن روحانی در انتخابات‌های ۹۲ و ۹۶ با هدف قبول نکردن مسئولیت ضعف‌های دولت روحانی او را نیز اصولگرا نام می‌نامند و ائتلاف موردنظر نبوی وی را نیز شامل می‌شود. مرتضی حاجی یکی از شخصیت‌های اصلاح‌طلب درباره اصلاح‌طلب بودن دولت روحانی گفت: «اینکه شما کسی را مورد حمایت قرار دهید، لزوماً به معنای پذیرش مسئولیت کارهای او نیست؛ بلکه در هر موقعیت مسئولیت کار برعهده خود فرد است… مسئولیت عملکرد روحانی برعهده خودش است.» محمدرضا تاجیک، دیگر شخصیت اصلاح‌طلب هم در این رابطه گفته بود: «اینکه ما فرض کنیم حیات اصلاح‌طلبی مدیون کسانی است که به ما اجازه دادند از فضای قدرت

نصیبی ببریم و حظی ببریم و جایی در سرربر قدرت بنشینیم، این مساله را به حیات اصلاح‌طلبی وصل کردن خطایی فاحش و جفا به جریان اصلاح‌طلبی است.» چنین جملاتی از زبان دیگر شخصیت‌های اصلاح‌طلب هم شنیده می‌شد که مانته‌ها حمایت کردیم و اتفاقاً اشتباه کردیم. حال با در نظر گرفتن اظهارات بهزاد نبوی و با توجه به اینکه در چند وقت اخیر اظهاراتی درباره احتمال ائتلاف با میانه‌روها و اعتدالی‌ها وجود دارد، به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان برای جلوگیری از حذف خود در ساختار قدرت به دنبال ائتلاف با میانه‌روها باشند اما طبعاً باید این نکته را به اصلاح‌طلبان گوشزد کرد که درصورت حمایت از چهره‌های اعتدالی و میانه‌رو، تمام تلاش‌هایشان برای مرزندی با روحانی زیر سوال می‌رود.

اصلاح‌طلبان رادیکال از خاتمی عبور کردند؟

نبوی در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود می‌گوید: «متأسفانه در بین دوستان اصلاح‌طلب بعضاً این‌گرایش نبود و حتی آن بیانیه‌ای که جبهه اصلاحات در حمایت از مواضع آقای خاتمی منتشر کرد خیلی مطلوب همه دوستان نبود. می‌گویند پیشنهادهای آقای خاتمی هم قابل اجرا نیست؛ خب درست است، ولی روی آنها می‌شود فشار آورد. می‌شود حاکمیت را

مجبور به پذیرش کرد. اگر مردم مصرانه دنبالش باشند امکان تحقق دارد ولی اگر نظر این باشد که این نظام نباشد و یک نظام دیگر باشد هیچ نظامی این را نمی‌پذیرد و باب گفت‌وگو کاملاً بسته می‌شود، بنابراین من معتقدم تفکر آقای خاتمی و مواضع ایشان خصوصاً در این بیانیه ۱۵ ماده‌ای می‌تواند مواضع راهبردی اصلاح‌طلبان باشد. «نبوی اما ضمن حمایت از بیانیه خاتمی از مخالفت طیفی از اصلاح‌طلبان با مواضع رئیس دولت اصلاحات نیز سخن به میان می‌آورد. این امر تقریباً روشن شده است که درون جبهه اصلاحات اکنون دودستگی وجود دارد. این دودستگی البته با بروز ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ خود را بیشتر نشان داد. برخی از اصلاح‌طلبان رادیکال از حمایت از معترضان کف خیابان صحبت به میان می‌آوردند اما افرادی مثل بهزاد نبوی مخالف این تصمیم بودند. به‌نظر می‌رسید نقطه اشتراک این دو طیف اظهارات و صحبت‌های رئیس دولت اصلاحات باشد. رئیس دولت اصلاحات طی این مدت سعی می‌کرد با وجود اختلافات موجود میان اصلاح‌طلبان موضعی میانه و در چهارچوب بگیرد. با این وجود این طور که میسران می‌آوردند؛ موضعی که نبوی نیز در این رابطه می‌گوید:

۲

عضویت در سازوکارهای بین‌المللی پیوست عملیاتی می‌خواهد
تاثیرات اقتصادی همکاری با گروه‌های اقتصادی بین‌المللی غیرغربی برای ایران به‌حدی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. پیش از این در گزارشی که با عنوان «شرط FATF دروغ بود» در «فرهیختگان» به چاپ رسید به این موضوع اشاره شد که مجموع رقم صادراتی ایران به اعضای اصلی سازمان همکاری شانگهای در سال ۱۴۰۰ رشد ۶ میلیارد دلاری به نسبت سال ۹۹ را نشان می‌دهد اما باید به این نکته نیز اشاره کرد که عضویت در سازوکارهای بین‌المللی همچون شانگهای و بریکس فارغ از عواید تعریف‌شده‌ای که در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای کشور دارد زمانی می‌تواند موثرتر عمل کند که ایران اهداف خود را از سطح عضویت در سازوکارها فراتر برده و پروژه‌های اقتصادی بزرگ را با اعضا تعریف کند. درصورت پیگیری چنین رویکردی ایران می‌تواند همکاری خود با این سازمان‌ها را عینیت بخشد. امری که حتی بدون عضویت رسمی نیز عواید زیادی برای ایران دارد. نگاه غیرهفمند و اکتفا به برنامه‌های از پیش طراحی‌شده سازوکارهای بین‌المللی اما سهم اقتصادی ایران از پیمان‌های بین‌المللی و بهره‌وری از ظرفیت بالقوه آنها را کاهش می‌دهد.

۹

«البته من در ظرف یکی دو سال اخیر حرکت موثری در جهت اصلاحات جامعه‌محور ندیدم؛ سسوال از افرادی که در جبهه اصلاحات شعار جامعه‌محوری داده و می‌دهند این است که این جامعه‌محوری چیست.» رادیکال‌های اصلاح‌طلب برمبنای همین ایده و با هدف بازسازی و موضوعیت یافتن اصلاح‌طلبان در میان مردم، قائل به نقش آفرینی در جریانات پس از فوت مهسا امینی نیز بودند که انتخاب رئیس جبهه تحت‌تاثیر همین راهبرد صورت گرفت. نبوی اما معتقد است اساساً اصلاح‌طلبان نه‌تنها موضوعیتی در این جریانات نداشتند، بلکه حتی اظهارات تندترین شخصیت‌های این طیف نیز شنیده نمی‌شد و در این باره اظهار می‌داشت: «در جبهه اصلاحات یک زن که فعالیت سیاسی گسترده‌ای هم از گذشته داشته رئیس شده است که مبارک است ولی بعضی از دوستان تصورشان این است که با شعار جوانگرایی یا استفاده از خانم‌ها جوان‌های کف خیابان به سمت ما خواهند آمد که من چنین تصویری ندارم. معترضان نه‌تنها حرف این جماعت اصلاح‌طلب را نمی‌شنیدند، بلکه حتی صدای شخصی مانند آقای مهندس موسوی که خیلی جلوتر رفت یعنی بحث مجلس موسسان را مطرح کرد شنیده‌نشد.» تلاش نافرجام اصلاحات برای به‌دست آوردن اقبال افکار عمومی اما یک نکته قابل توجه دارد و آن هم این است که عمده علت عدم اقبال یا بی‌توجهی طیف‌های مختلف مردم به اقدامات و کنش‌های سیاسی اصلاحات عموماً متوجه فعالیت‌های خود آنهاست. اصلاح‌طلبان اساساً هیچ اقدام و کنشی که مستقیماً متوجه مسائل مردم باشد، انجام نداده‌اند، علاوه‌براین در عرصه سیاسی، کارنامه روشن حسن روحانی و ناکارآمدی‌های رئیس‌جمهور مورد حمایت آنها نیز به وجهه اصلاحات آسیب وارد کرده و مزید بر علت شده است. اما راه‌حلی که طیف‌های تندرو برای به‌دست آوردن این وجهه انتخاب کردند، حرکت در مسیر رادیکالیسم است که مشخصاً نه‌تنها اثر مثبتی برای اصلاحات به همراه نخواهد داشت، بلکه ضررهای بیشتری را نیز متوجه آنها خواهد کرد.

مسیری که نبوی توصیه می‌کند

بهزاد نبوی و طیف‌های میانه‌رو اصلاح‌طلبان گرچه به‌دلیل اصرار بر مواضع ضد براندازی خود با انتقادهای بسیاری از جانب طیف‌های رادیکال روتنه‌ها شدند و شاهد ریزش بدنه مردمی خود بودند. نبوی در بخشی از این مصاحبه ادعا می‌کند که ۷۰الی ۸۰ درصد مردم با موضعی که او آنها را مواضع میانه و معتدل می‌خواند همراه نبودند. یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در رابطه با این طیف اصلاح‌طلبان مطرح می‌شود آن است که با وجود اعتراف بر عدم‌محبوبیت چنین موضعی چرا نبوی و همفکرانش همچنان بر اتخاذ این مواضع اصرار دارند. نبوی ادعا می‌کند که با مطالعه تاریخ انقلاب‌ها در کشورهای مختلف جهان به این نتیجه رسیده است که هیچ‌گاه انقلاب براندازی نتیجه‌بخش نبوده و هر پیشرفتی حاصل شده از راه اصلاح نرم رقم خورده است. او یک پاسخ ثابت و تکراری به کسانی دارد که معتقدند تجربه ثابت کرده است اصلاحات نتیجه‌بخش نیست؛ «صبر». او معتقد است شاید دستاوردهای از مسیر اصلاحات باقی مانده اما هرچه باشد دستاوردهای دوره‌های مطلوب او از جمله دوران ریاست‌جمهوری خاتمی و روحانی از دستاوردهای اقدامات رادیکال و خشونت‌بار بیشتر بوده است. به‌نوعی او معتقد است شاید دستاوردهای مسیر اصلاحات از راه‌های قانونی کم‌یا دیربازده باشد، اما قطعاً کمتر از دستاوردهای تلاش‌های بی‌ثمر برای براندازی اصل نظام نیست. او حتی در صورت موفقیت براندازی را یک شکست کامل برای ایران می‌داند. زیرا به هیچ‌عنوان مشخص نیست سرنوشت ایران پس از براندازی چگونه خواهد بود و آشفته‌گی و آشوب طبیعی که در پس هر انقلاب وجود دارد به هیچ‌عنوان نمی‌تواند مسیری برای تحقق خواسته‌های منتقدان مسیر اصلاحات باشد.